

گل چینی

از گفتار معارف اسلامی

تألیف: غلامرضا رحیمی

سرشناسه: رحیمی، غلامرضا، ۱۳۲۰ -
عنوان و نام پدیدآور: گل چینی از گلستان معارف اسلامی / تألیف غلامرضا رحیمی.
مشخصات نشر: تبریز: غلامرضا رحیمی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: خ، ۲۰۸ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۴۱۲۶-۵: ۲۰۰۰۰ ریال:
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع: اسلام -- مطالب گونه گون
موضوع: اسلام -- احادیث -- مطالب گونه گون
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۸۳/۳ BP۱۱
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۸۰۵۵۹

شناسنامه کتاب:

نام کتاب: گل چینی از گلستان معارف اسلامی

ناشر: مولف

تألیف: غلامرضا رحیمی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵ تبریز

تعداد صفحه و قطع: ۲۰۸ صفحه - وزیری

چاپ: ترقی؛ تلفن: ۳۵۲۶۳۵۸۵

لیتوگرافی: آی سان

صحافی: فروش

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۰۴ - ۴۱۲۶ - ۵

فهرست

صفحه	عنوان
۱	پیش‌گفتار
ث	ریض
۱	نام مقدس خدا، سرآغاز هر کار
۸	باد مخلوق و مأمور الهی است
۱۶	مرگ قانون مومی خلقت برای همه است
۲۲	عمومیت تبعیجی در موجودات عالم
۲۸	عبرت از سونندهای قآن
۳۶	زکات مال بدر کن
۴۳	مضرات هوای نفس، غفلت و غرور
۵۴	خواب دیدن و دیدگاه اسلام درباره آن
۵۸	شمه‌ای از شرایط سفر از دیدگاه پیروان اسلام
۶۳	نام‌های نیک مرخدای راست ...
۶۷	علل مصائب و گرفتاری‌های مردم
۷۱	پاداش نیکی غیر از نیکی نیست
۷۵	خواب و تأثیر آن در زندگی موجودات عالم هستی
۸۵	ستارگان آسمان و عظمت آنها
۹۳	سلام دادن
۹۴	ارزش وقت و استفاده صحیح از آن
۹۶	لاحول و لا قوه الا بالله
۱۰۲	اختیار است اختیار است اختیار
۱۰۵	بیا تا مونس هم یار هم غمخوار هم باشیم
۱۱۰	موضع امام سجاد علیه السلام در مقابل ظلم ستمکاران و ظالمان

۱۱۳	سه اخلاق عالی
۱۱۵	ارزش فهم احادیث و فرمایشات ائمه معصومین
۱۱۹	نهی از مجادله
۱۲۴	راه آزمایش خودمان از لسان امام باقر (ع)
۱۲۷	آداب مجالس
۱۳۳	همیشه نیک‌خواه مردم باش
۱۳۸	زبان مرغان و تسبیح آن‌ها
۱۵۵	صعب کاری است این عیال گران
۱۵۸	علم و مال و منصب و جاه و قرآن ...
۱۶۱	گرفتاری در زنا کار انسان
۱۶۵	عطا و یاری و ستگیری از دیگران
۱۷۱	سه نعمت بزرگ و مهم و سه وظیفه حساس و گران انسانی
۱۷۵	کرم و عطا افضل الاعمال انسانیت است
۱۸۱	زننده کدام است بر هوشیار
۱۸۶	اخلاق کریمه و افعال پسندیده
۱۹۲	روابط اجتماعی و علت ترقی و تعالی ملت‌ها و انجام دادن دستورات الهی
۲۰۰	شعری زیبا از حجت‌الاسلام رسولی
۲۰۳	اعلام اشخاص

پیش‌گفتار

دیدم گل تازه چند دسته
بر گنبدی از گیاه بسته
گفتم: چه بود گیاه ناچیز
تا در صف گل نشیند او نیز؟
بگریست گیاه و گفت خاموش
صحبت نکند کرم فراموش
گر نیست جمال و رنگ و بویم،
آخر نه گیاه باغ اویم؟

این مجموعه ناچیز که از فرمایشات پیشوایان معصوم و بزرگان اهل ادب گرفته شده است، همانند آن گیاه ناچیزی است که بسته‌بندی گل دسته‌ها نیز بوسیله همان گیاه انجام می‌گردد. «علم اخلاق و آموزگار ادب شیخ بزرگوار «سعدی» می‌فرماید که گیاه با شنیدن این ایراد که با در صف گل نشسته، گریست و گفت: گل و گیاه هر دو محصول یک باغ است. ولو آنکه گیاه آن رنگ و بوی گل را هم نداشته باشد.

ما نیز مسلماً دل نیتیم. اما به گیاه بودن در باغ‌های معارف اسلامی و ادبی افتخار داریم. قبلاً باید بگویم که هرچند اینگونه مجموعه‌ها لایق محاضر اساتید عالی‌مقام و بزرگان نکته‌سنج نیست؛ اما بعین‌هم نیست که برای اشخاصی که در معلومات عمومی هم‌سطح این کمترین باشند، یکبار مطالعه نمودن بی‌فایده نباشد. این بنده حقیر و سرتاپا تقصیر از ته دل فرمایش خواجه سیراز را به دوستان و عزیزان نکته‌سنج عرض می‌نمایم:

ز دست کوتاه خود در زیر بارم
که از بالا من است آن شرمسارم

آدمیزاد در مسیر زندگی خویش، ای بسا از کنار کسانی می‌گذرد که از امکانات و اسباب مادی و معنوی از قبیل باغات، مقام علمی و دینی و مانند آن برخوردارند و با دیدن آنگونه افراد، در دل خود آرزو می‌کند که ای کاش من هم همانند این‌ها دارای

اسباب و لوازم این مقام‌ها باشم؛ که البته فاقد آنهاست و بقول شاعر «دست ما کوتاه و خرما بر نخیل».

تکیه برجای بزرگان نتوان زد به گراف مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی
اما از سوی دیگر، فرمایش بزرگان را نباید فراموش نمود که فرموده‌اند: «مَالًا
يَذْرُكُ كُلَّهُ، لَا يَثْرُكُ كُلَّهُ»؛ لذا نگارنده بی‌مقدار در طول زندگیم در گلستان‌های معارف
اسلام و بوستانهای بزرگان گشتم و دسته‌گلی در خور خودم تهیه و بسته‌بندی نمودم.
نبود در خور ارباب فضل گفته‌م در این صحیفه ناچیز یادگاری بود

لاجرم ما هم از گیاهان ناچیز این باغ‌ها هستیم که سالها با گل‌ها نشستیم و
بعید نیست که کمال همنشین اندکی نیز در ما تاثیر داشته باشد. در تواریخ و تفاسیر و
در گفته‌های سعراى ن گ آمده است: هنگامی که یوسف صدیق را به مملکت «مصر»
آوردند و به عنوان برد و غلام در معرض فروش قرار دادند، تمام اهالی مصر از
ثروتمندان بزرگ گرفته تا گدایان زمین برای یوسف مشتری و خریدار گردیدند؛ تا
جایی که زنی پیر و فرتوت نیز با پند آلاフ ریسمانی که خودش تنیده بود، در بازار
گرم یوسف حاضر گردید و با متاعی کم‌ارزش، خود را در سلک خریداران قرار داد.
چنانکه شاعر دردمند و بلند مرتبه شیخ عبدالرحمان جامی می‌گوید:

چه خوش وقتی و خرم روزگاری	که یاری بر خورد از وصل یاری
برافروزد چراغ آشنائی	رهمه بید از داغ جدائی
چو یوسف شد به خوبی گرم بازار	شدنش مصران یکسر خریدار
به هر چیزی که هرکس دسترسی داشت	در آن بازار بیع او برس داشت
شنیدم کز غمش زالی بر آشفست	تنیده ریسمانی چسند و می‌گفت:
همین بس گر چه من کاسد قماشم	که در سلک خریدارانش باشم ^۱
در خاتمه بر خود لازم می‌دانم که از زحمات فرزند برومندم آقای مهندس	
عبدالصمد رحیمی و همسر باوفایش تشکر و قدردانی نمایم؛ چرا که اگر زحمات و	

(۱) دیوان جامی، قسمت یوسف و زلیخا، طبع عینی، ص ۹۷.

جان‌فشانی‌های ایشان نبود، این مجموعه به ثمر نمی‌نشست. همچنین از دوست
بزرگوارم آقای مهدی دادیزاده مدیر محترم کتابفروشی سپهر زاید از وصف سپاسگذارم
که با مشاورت و نظارت ایشان، این مقالات به زبور طبع آراسته گردید و مصداق این
کلام شیخ بزرگوار سعدی (ره) گردید که:

دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پریشان‌حالی و درماندگی

غلامرضا رحیمی